

بررسی سبک زنانه در رمان کوچه اقاچیا (نوشته راضیه تجار)

فائزه عرب یوسف آبادی*

شهلا کلبعلی**

چکیده

هدف این پژوهش استخراج مؤلفه‌های زنانه‌نگاری مؤثر در سبک نگارش رمان کوچه اقاچیا نوشته راضیه تجار است. نتایج اولیه نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها عبارتند از: زبان زنانه، عواطف زنانه و مسائل فرهنگی مربوط به زنان در این رمان. زبان زنان در این رمان دارای تکرار کلمات یا اجزای جمله برای تشدید و تأکید بر حس عاطفی مورد نظر است. بیشتر زنان این رمان از گفتارهای قطعی می‌پرهیزند و در گفتار اغلب آنها نوعی تعریض وجود دارد. حضور دویست و نود و هشت واژه رنگی و تعدد به‌کارگیری رنگ‌های مختلف با جزئیات آن در زبان اشخاص این رمان بدان صیغه‌ای زنانه بخشیده است؛ علاوه بر این، عاطفه‌مادری یکی از قوی‌ترین انواع و اشکال عواطف زنانه در این رمان است. کاربرد کمتر دشواژه‌ها نیز بر سبک زنانه آن تأکید دارد. همچنین در رمان مورد مطالعه بنا به دلایلی همچون، فقر علمی و فرهنگی اغلب زنان در موقعیت‌های مبهم، به خرافات و باورهای عامیانه‌ای روی آورده‌اند. در این رمان مصادیق متعددی از مسائل فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که نگاه ابزاری به زنان را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که حقوق اجتماعی زنان آن دوران همسطح مردان نیست.

کلید واژگان: سبک زنانه، کوچه اقاچیا، راضیه تجار.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: famoarab@uoz.ac.ir)

** کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

مقدمه

تحقیق و پژوهش در مورد ادبیات زنان و سبک‌شناسی آثار آنان برای دستیابی به دنیای درونی آنان و درک و فهم مشکلات و دردهایشان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بخش اعظمی از ادبیات زنان به لحاظ ویژگی‌های زبانی، سبک بیان و نگارش، شیوه‌های پیوند میان عناصر کلامی و چگونگی بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی؛ مثل استعاره، تشبیه و صور خیال با ادبیات مردان متفاوت است (آبرامز، ۱۹۹۹: ۳۲۶). زنان در ادبیات، در بروز فردیتها و نمایش درون و در حوزه‌های تفکر، احساس، ارزش‌گذاری و دریافت جهان خارجی، ویژگی‌های خاص خود را دارند.

سبک نگارش زنان زمانی مطرح شد که زنان از مصرف‌کننده ادبیات به یکی از گروه‌های تولیدکننده آن تبدیل شدند (نیکوبخت، بزرگ بیگدلی و منشی زاده: ۱۳۹۱: ۱۲۸). کار سبک‌شناسی زنانه عبارت است از بررسی سبک از چشم‌انداز باورها و عقاید مربوط به موقعیت اجتماعی و حقوق زن (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۵). راهیابی به این مهم در گروه کندوکاو در آثاری است که از قلم آنها خلق شده‌اند و متأثر از دیدگاهها و دنیای درونی نویسندگانشان است.

راضیه تجار یکی از زنان فعال در عرصه داستان‌نویسی است. داستان «کوچه اقاچیا» در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است. در مورد داستان‌های راضیه تجار باید گفت که او «در بیشتر موارد تأثرات حسی و عاطفی را در بیانی تغزلی و زنانه نوشته است. او در این رمان، دنیایی ملموس و طبیعی می‌آفریند و کلمات زنانه رمان خود را از متن زندگی برمی‌گیرد و با ظرافت خاص خود، قصه‌ها را به مرز شعر می‌رساند (دستغیب، ۱۳۷۳: ۳۴). بیشتر شخصیت‌های داستان‌های او را زنان تشکیل می‌دهند.

او در رمان کوچه اقاچیا، محیطی بسته را که زنان در آن فعالیت دارند، به نمایش می‌گذارد. موضوع این داستان بلند زن است و زندگی و خانواده که در آن شخصیت‌های متعدد زن، تأثیر کم‌رنگ زن بر سرنوشت خویش را به نمایش می‌گذارند. ماجرای این داستان با عروسی مجدد میرزا ابوتراب شروع می‌شود، که خانم جوانش بعد از به دنیا آمدن دخترش به بیماری (آل‌زده) مبتلا شده و دچار جنون شده است. ابوتراب خانمش را در خانه کوچک به غل و زنجیر می‌بندد؛ بدان امید که خوب شود. ابوتراب نمی‌داند چه باید بکند؛ سرانجام خانم کوچک را به خانه مادر و پدرش می‌برد. مادر او دخترزا است و مشکلات زیادی به دلیل نداشتن پسر دارد؛ از جمله اینکه عمه شوهرش زنی را به صیغه همسرش درآورده است تا پسر دار شوند. دیگر شخصیت‌های این رمان نیز زنانی هستند تحت سیطره جامعه‌ای مردسالار که هر یک به شکلی خاص درگیر مسائل زنانه هستند.

در این رمان «قلم نویسنده بر روی رنج‌ها و شادی‌ها و حالات و عادات ابوتراب، خانواده و خدمتکاران و خویشتان‌اندان او متمرکز است. صنم بانو، علیخان، ابوتراب و خانم بزرگ به جای درمان خانم کوچک به جنگ با یکدیگر مشغولند» (دستغیب، ۱۳۸۰: ۷۲). در این اثر تجار فضایی را خلق کرده تا خواننده خود گذشته را ببیند، خوبی‌هایش را پاس بدارد و بدی‌ها را از خاطر ببرد... او نگران دلنواز و دلنوازی‌هایی است که ممکن است در این جامعه پدید بیایند؛ بنابراین، دلنواز را و آنچه را بر او می‌گذرد جلو چشم خواننده می‌گذارد تا به همه آنها که می‌توانند دلنوازی بیافرینند هشدار دهد (ولی مراد، ۱۳۸۳: ۷۰)؛ به همین دلیل، توانسته است با احساسات زنانگی خاص خود، مسائل و مشکلات طبقه زن ایرانی را کاملاً در محک آزمایش قرار دهد

- (آژنده، ۱۳۹۶: ۲۴) و رنج‌ها و مشکلاتی را که جامعه بر این قشر تحمیل کرده، بیان نماید.
- این کتاب به دلیل فضا سازی زنانه از تشخص سبکی خاصی برخوردار است. وجود این ویژگی‌ها در سبک نگارش این نویسنده از یک سو و فقدان تحقیقی بنیادین در راستای بررسی سبک زنانه در این اثر ضرورت انجام این پژوهش را اثبات می‌کند.
- هدف در این پژوهش استخراج مؤلفه‌های زنانه‌نگاری در این رمان است. پژوهش بر پایه این پرسش اصلی شکل گرفته است که مؤلفه‌های زنانه‌نگاری مؤثر در سبک نگارش این رمان کدام است؟ نتایج اولیه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های زنانه‌نگاری مؤثر در سبک نگارش این رمان عبارتند از: زبان زنانه، عواطف زنانه و مسائل فرهنگی مربوط به زنان در این رمان.
- درباره بررسی و معرفی سبک زنانه پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ به عنوان مثال:
- از دیگر سو، پژوهش‌هایی نیز به آثار راضیه تجار پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال:
- محمودی بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی بررسی شش رمان» ضمن بررسی رمان‌های مورد نظر به این نتیجه رسیده‌اند که عملکرد زنان در این رمان‌ها با دیدگاه‌های لیکاف سازگاری دارد.
- غلامی و بخشی‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «شعر زنانه ایران و سبک و گویشی زنانه» با بررسی شعر زنان به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان نوشته‌هایی را که دغدغه زنانه‌نویسی دارند، شناسایی کرد و ویژگی‌هایی نحوی و وصفی متون زنان را نشان داد.
- نیکویخت، دسپ، بزرگ بیگدلی و منشی زاده (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی» ضمن بررسی آثار ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که پیرزاد با ایجاد تغییر در شخصیت زنان نسبت به دوره‌های قبل تغییری در نگاه به زن داشته است.
- داوری اردکانی و عیار (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی جنسیت» به این نتیجه رسیده‌اند که دامنه تحقیق در این حوزه می‌تواند وسیع تر و علمی تر باشد و در این مقوله باید از تحلیل‌های جامعه‌شناسی استفاده کرد.
- ولسی مراد (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان «راضیه تجار و نگاهی به کوچه اقاوی او» ضمن پرداختن به ویژگی‌های داستان کوچه اقاوی و بیان قدرت نویسندگی تجار در تصویرسازی به این نتیجه رسیده، که تجار در کوچه اقاوی فضایی خلق کرده است، تا خواننده خود گذشته را ببیند، خوبی‌هایش را پاس بدارد و بدی‌هایش را به آب دهد.
- پارسایی نژاد (۱۳۸۰)، در مقاله‌ای با عنوان «گشت و گذار در کوچه اقاوی» به نقد این کتاب پرداخته و به این نتیجه رسیده است که این داستان از ساختمان قوام یافته و پایداری برخوردار است.
- دستغیب (۱۳۸۰)، در مقاله‌ای با عنوان «پرسه‌ای در کوچه اقاوی» به شناسایی نمادهای آن پرداخته است.
- حری (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای با عنوان «سفر به ریشه‌ها (نقد آثار داستانی راضیه تجار)» به تحلیل این داستان‌ها پرداخته ضمن مشخص کردن نمادها در آثار تجار از لحاظ عناصر داستانی نیز آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه رسیده است، که خانم تجار توانسته چهره زن را به زبانی شیوا، نو، داستانی و منحصر به فرد به تصویر بکشد.
- دستغیب (۱۳۷۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نرگسها و داستان‌های دیگر» بعد از بررسی چند اثر از راضیه

تجّار به این نتیجه رسیده است که او نویسنده‌ای نیرومند در ادب زنانه است و داستان‌های او را نمایشی صادقانه از رنج و شادی مردم به ویژه زنان جامعه می‌داند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان به درستی ادعا کرد که تاکنون هیچ یک از محققان به بررسی سبک زنانه در کتاب کوچه اقاچیا نپرداخته‌اند و این نخستین پژوهشی است که از این منظر به این اثر می‌پردازد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات بخش توصیفی به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است؛ سپس اطلاعات به صورت کیفی تجزیه و تحلیل شده است.

روش اجرا

برای رسیدن به هدف این پژوهش اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، جمع‌آوری و مطالبی که با موضوع ارتباط بیشتری داشتند، انتخاب و مطالب آنها استخراج و فیش‌برداری شد و پس از دسته‌بندی در یک نظم منطقی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

بررسی سبک نگارش رمان کوچه اقاچیا

برای بررسی مؤلفه‌های زنانه‌نگاری مؤثر در سبک نگارش کتاب کوچه اقاچیا به توضیح جداگانه هر مؤلفه و ارائه مصادیق آن در این اثر پرداخته می‌شود.

زبان زنانه

درباره نوشته‌های زنان این سؤال پیش می‌آید که «آیا می‌توان برای ذات زبان، ویژگی‌های زنانه و مردانه یا مذکر و مؤنث قائل شد؟ به نظر نمی‌رسد که عناصر زبان در ذات خود، با جنسیت ربطی داشته باشند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۶). زبان‌شناسان اصطلاح «گویی جنسیتی» را برای بیان تفاوت‌های زبانی دو جنس وضع کرده‌اند که به گونه‌ای از زبان گفته می‌شود که تداعی‌کننده گوینده مذکر یا مؤنث است (هانا، ۲۰۰۳: ۲۳۲)؛ بر این اساس زبان زنان در بخش‌هایی از رمان کوچه اقاچیا نشان‌دهنده گوینده مؤنث است. چنان که ویرجینا وولف^۲ (۱۹۲۹) معتقد است: «اگر زن هستیم و به روش مادرمان فکر می‌کنیم، بی‌فایده است که به سراغ نویسندگان مرد برویم. وزن و شتاب و گام ذهن مرد به قدری با خصوصیات زن متفاوت است که زن نمی‌تواند چیز زیادی از آن بیاموزد» (وولف، ۱۹۲۹، ترجمه نوربخش، ۱۳۸۳: ۱۱۳). بنابراین واقع‌گراتر و دلپسندتر آن است که زبان زنان با مشخصات ویژه خود بررسی گردد. مشخصه‌های زبان زنانه در این بخش‌ها شامل موارد زیر است:

۱. Hannah

۲. Virginia Woolf

۳. Woolf

استفاده گسترده از رنگ‌ها

حضور ۲۹۸ واژه رنگی و تعدد به کارگیری رنگ‌های مختلف با جزئیات آن در زبان اشخاص رمان کوچه اقاها بدان صبغه‌ای زنانه بخشیده است؛ زیرا «مردان معمولاً در نوشته‌های خود از رنگ‌های اصلی استفاده می‌کنند؛ در حالی که زنان به رنگ‌ها حساسیت بیشتری نشان می‌دهند و طیف وسیعی از رنگ‌ها را به کار می‌برند» (شیخ، ۱۳۹۶: ۶۴).

کاربرد هنرمندانه رنگ‌ها در رمان «کوچه اقاها» نشان دهنده روح لطیف نویسنده است که نوشته را به تصویری پر نقش و نگار نزدیک کرده است به نمونه‌های زیر بنگرید:

«موهای خرمایی‌اش حلقه حلقه بر بالش ساتن صورتی فرو ریخته بود» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۲۸).
در جایی دیگر: «مداد سوسماری نشانی که هنوز تراشیده نشده بود، پاک کنی که به رنگ سبز و سرخ و سفید بود» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۶۳).

جدول زیر بسامد و تعدد این رنگ‌ها را آشکار می‌کند:

جدول ۱. تعداد کاربرد رنگ‌ها در رمان کوچه اقاها

تعداد	نوع رنگ	تعداد	نوع رنگ
۷	صورتی	۶۰	قرمز
۶	کبود/نقره‌ای	۵۲	سیاه
۵	فیروزه‌ای	۴۴	سفید
۴	عسلی	۳۰	زرد
۳	بنفش/خرمایی/گل بهی/مغز پسته‌ای	۲۹	آبی
۲	خاکستری/	۱۷	سبز
۱	نیلوفری/یشمی/لیمویی/لاکی/عنابی/شیری/سرخابی/به لیمویی/قهوه‌ای	۱۳	طلایی

استفاده از کلمات مخصوص زنان

در این بخش از پژوهش گزینش انگیزش‌دار کلمات مطرح است و در آن به این پرسش پاسخ داده می‌شود که نویسنده از رهگذر روابط جانشینی به گزینش چه کلمه‌هایی پرداخته است؟ (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). دایره واژه‌های به کار رفته در این رمان حول محور خانواده و مسائل و دل‌مشغولی‌های زنان می‌گردد. از آنجا که نویسنده درباره فضای زندگی زنان می‌نویسد، بسامد استفاده از کلمات مخصوص زنان در نوشته او زیاد و نشانگر نگاه دقیق و در عین حال زنانه او است که خواننده را به دنبال خود می‌کشاند. تا چون او ببیند، احساس کند، لبخند بزند و بگرید (نجاری، ۱۳۹۴: ۴۶-۴۵).

در نمونه زیر توصیف دقیق لوازم آرایش زنان و نحوه استفاده از آن سرشار از کلماتی است که نشان‌دهنده دانش تجربی گوینده‌ای مونث است:

«با ماتیکی سرخ دالبر لب را پررنگ کرد و آن گاه دو لب را بر روی هم مالید... با سرانگشت از قوطی کوچک چینی طرح دلی که دیواره‌ای نازک آن را به دو نیم کرده بود، تکه‌ای سفیداب برداشت و بین دو انگشت، خردش کرد و گردش را به صورت مالید و از خانه‌ای دیگر گردی از سرخاب برداشت و به گونه‌اش مالید» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۲۹).

در بخش زیر نیز بسامد استفاده از کلمات مخصوص زنان بالا است و گوینده مؤنث را تداعی می‌کند: «دست در داخل لیف کرد. صابون عطری کوچکی را به شمایل قو و چند دانه سفیداب و شانه استخوانی را بیرون آورد و دوباره داخل آن انداخت. بلند شد و از داخل کمد، جا لباسی را که بر آن کت و دامن چهارخانه پشمی سفید و سبز بود، انتخاب کرد و داخل بقیچه گذاشت و تای آن را برهم آورد و با سنجاق قفلی ریز طلائی محکمش کرد» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

علاوه بر این، حضور پررنگ کلمات مخصوص زنان در نمونه زیر نشان‌دهنده توجه خاص نویسنده به نکات ظریف و جزئی مربوط به مسائل خانه‌داری زنان است.

«بر سر سفره سراسری چلووار سفید، نان‌های تافتون و سنگک کنجدزده به صورت اریب گذاشته شده بودند. ظروف بلور پایه‌دار، لبالب از مرباهای آلبالو، بهار نارنج و تمشک در سایه‌روشن یک صبح آخر تابستان می‌درخشیدند. بر قلّه مخروط‌های پنیر و کره محلی گل‌های حنا و شمعدانی، طلوع روزی فرخنده را نوید می‌دادند... کاسه چینی گل سرخی، لبالب از کاجی خوش‌رنگی شد، که عطر گلاب و زعفران و روغن کرمانشاهیش هوش از سر می‌برد» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۳۰).

هم چنین در نمونه زیر کلام زبیده، شخصیت زن داستان، حاوی کلماتی است که بیشتر میان زنان و در توصیف زنان کاربرد دارد: «بلند شو دیگر هل و گوهر، حلوی تر، قرص قمر، کندوی عسل... می‌خواهیم با هم برویم سر چهار راه مختاری و یخ در بهشت بخوریم» (تجار، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

- تعریض و پوشیده سخن گفتن

بیشتر زنان معمولاً از گفتارهای قطعی می‌پرهیزند و در گفتار اغلب آنها نوعی تعریض وجود دارد. که از موقعیت پایین زنان حکایت می‌کند. زنان این رمان معمولاً سعی دارند، گفتارشان مؤدبانه باشد و به همین دلیل تقاضا یا اعتراض خویش را غیرمستقیم بیان می‌نمایند. در رمان مورد مطالعه هنگامی که احمد علی‌خان بزاز پارچه را برای نیمتاج قیچی می‌کند، نیمتاج در این فرصت خواسته خود؛ یعنی انتظار برای خواستگاری را با زبان غیرمستقیم چنین بیان می‌کند:

«نیمتاج پیشدستی کرد و تکه بریده را برداشت و بر سر انداخت و جلوی آئینه کوچک چسبیده به دیوار خودش را نظاره کرد.

- یکی هم نیست که بگوید به من می‌آید یانه؟!» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۳۹).

در بخش‌های دیگر این رمان، عمه قزی هنگام ترغیب برادرزاده‌اش برای ازدواج با زن مطلقه‌ای به نام نیمتاج، این خواسته را چنین بیان می‌کند: «از صبح تا شب مثل پروانه دور و برم می‌گردد... کاش که شوهرش قدرش را می‌دانست. حجت ندانسته و نخواهد هم دانست که اگر می‌فهمید رجوع می‌کرد؛ اما اگر دیگران بدانند» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

- کاربرد محدود دشواژه‌ها

به اعتقاد آکماجین دشواژه‌ها واژه‌های تحریم شده‌ای هستند که نباید آن را به طور کامل به زبان بیاوریم و در جمع باید از کاربردشان اجتناب ورزید (آکماجین، ۱۹۶۴، ترجمه بهرامی، ۱۳۸۲: ۳۶۸-۳۶۸). به

طور کلی، زبان‌شناسان بر این باورند که شرایط اجتماعی به مردان اجازه می‌دهد که از کلمات و عبارات «تابو» (کلماتی که در عرف زبانی آن‌ها را بد می‌دانیم) راحت‌تر استفاده کنند. لیکاف اظهار می‌دارد گفتار دختران بیشتر به گونه مؤدبانه گرایش دارد تا گفتار پسران (لیکاف^۱، ۱۹۹۰: ۵۳-۵۵).

تحلیل این رمان نشان می‌دهد که جملات و کلماتی که در رمان «کوچه اقاها» به صورت دشواژه به کار رفته‌اند، ۶۴ عدد است. این دشواژه‌ها اغلب در گفتار شخصیت‌های مرد داستان پیدا هستند. فضای حاکم بر رمان و وجود ظلم‌هایی که مردان نسبت به زنان رواداشته‌اند آنان را ستیزگر و پرخاشگر کرده است؛ در نتیجه در کلام این افراد که دچار مشکلات عصبی هستند، دشواژه‌های بیشتری مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما با وجود تمامی دلایل باز هم کاربرد دشواژه‌ها نسبت به سایر موارد کمتر است. به نمونه‌های زیر بنگرید:

«تا کی کپه مرگت را می‌گذاری؟ بلند شو مرد که مفنگی... همان شبی که خرناسه می‌کشیدی مرد که دبنگ!» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۳۳).

خطاب عزیزالله خان به اوستا عباس: «- احمق!! دلنواز را آوردند نفهمیدی» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۳۴). عزیزالله خان به اوستا عباس که از تپه بالا می‌رفت گفت: «به جای وراجی کردن، جان بکن مردک» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۳۴).

اوستا عباس دائم خود را ملامت می‌کرد: «- غلط کردم که خوایدم... که خوایدم. عزیزالله خان به او چشم غره رفت.

- خفه شو بزمجه!» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۳۶).

زبیده دوباره به خانه مشهدی بازگشت؛ اما می‌ترسید که مشهدی به او بگوید: «این همه مدت کجا رفته بودی سلیطه؟» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۹۴).

عمه قزی به احمدعلی خان گفت: «اگر به دیدارمان می‌آییدم‌اش از ترس زن پاچه‌ور مالیده‌ات است؟» (تجار، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

- تأکید بر حس عاطفی مورد نظر از طریق استفاده از تکرار یا تشدیدکننده‌ها

لیکاف (۱۹۷۵) بر این باور است که زنان برای تأکید بر گفتار خود از آهنگ قوی‌تر جملات و تشدیدکننده‌ها استفاده می‌کنند. در حقیقت، آن‌ها حتی در مواقع غیر ضروری برای اینکه گفتار خود را مهم جلوه دهند از کلماتی برای قوی‌تر کردن بار معنایی آن استفاده می‌کنند. تا جایگاه اجتماعی خود را استحکام بخشند. در زبان فارسی کلماتی مانند، حتماً، فقط، خیلی، حقیقتاً و صد در صد که شدت و تأکید را به گفتار می‌افزایند (به نقل از نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۲۶۰). در گروه تشدیدکننده‌ها می‌گنجند.

پژوهش‌ها نشان داده‌است که تشدیدکننده‌هایی مانند عبارات «بسیار بسیار خوب»، «خیلی خیلی مبارک»، «خیلی خیلی کوچولو»، «بسیار بسیار علاقمند» و «واقعاً» در رمان‌های زنان نویسنده نیز زیاد به کار رفته است. اما در رمان‌های نویسندگان مرد، کلماتی مانند «مطلقاً»، «کاملاً» و «بی‌نهایت» بیشتر به منزله تشدیدکننده به کار رفته‌اند (به نقل از نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۲۶۰).

تعداد تشدیدکننده‌ها در رمان مورد مطالعه ۱۳۸ است. عبارات و کلماتی را که در رمان «کوچه اقاها»

۱. Lakoff

به صورت تشدید کننده به کار رفته‌اند، نشان می‌دهد. این تشدید کننده‌ها اغلب در گفتار شخصیت‌های زن داستان پیدا هستند. نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در نوشتار خود تشدید کننده را به کار می‌برند. اغلب زن‌های رمان در مواقع غیر ضروری برای اینکه گفتار خود را مهم جلوه دهند، از تشدید کننده‌ها برای قوی تر کردن بار معنایی آن استفاده می‌کنند. استفاده بیشتر زنان از تشدید کننده‌ها ریشه گرفته از پایین بودن اعتماد به نفس آنها یا موقعیت متزلزلشان در اجتماع مرد سالار است (محمودی بختاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۵۱). نمونه‌های زیر از رمان مورد بحث حاوی تشدید کننده‌های کلام زنان است:

غرض اسائه ادب نبود. من باب مزاح عرض شد. مخصوصاً که خانم والده، خیلی غصه عیال را می‌خوردند» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۸).

عزیزالله‌خان به دامادش گفت: «- به به! خیلی خیلی مشرف فرمودید» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۵۷). «زییده به بهانه دست به دست دادن عروس و داماد خیلی زود همه را راند و اتاق را خلوت کرد» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۳۷). «جایی که مادر بود خیلی دور بود. گر چه بهار تا آن جا هم رسیده بود؛ اما خیلی دور بود» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

عواطف زنانه

بخش بسیار مهمی از تفاوت‌های زنان و مردان ناشی از غیرهمسان بودن نیازهای روانی آنهاست. بازتاب این نیازهای روانی در رفتار، اعمال و عکس‌العمل‌هایی که در شرایط و موقعیت‌های گوناگون از این دو گروه به اجرا درمی‌آید، خود را نشان می‌دهد. در رمان «کوچه اقاچیا» ویژگی‌های عاطفی مختلفی را در جامعه زنان، می‌توان سراغ گرفت که خاستگاه‌های متفاوتی دارند و نیز به اشکال گوناگونی بروز می‌کنند. در این رمان زنان مختلف که محصول دنیا، تفکر و فرهنگ و تربیت جامعه‌ای مردسالار هستند، عواطفی را تجربه کرده‌اند که اغلب تحت الزامات ویژه‌ای شکل گرفته است. برای احساسات و عواطف زنان این رمان، انواع و اشکال مختلفی را می‌توان قائل شد که هر نوع و شکلی از آن، تحت تأثیر شرایط و احوال ویژه‌ای به وجود می‌آید و متأثر از عوامل پدیدآورنده خود، صورت پایدار و ناپایدار به خود می‌پذیرد (باقی نژاد، ۱۳۸۵: ۲). در ادامه برای آشکار شدن عواطف زنانه در رمان مورد بحث به بررسی جلوه‌های مختلف این عواطف پرداخته می‌شود؛ تا از این طریق دریچه‌های جدیدی از سبک زنانه نویسی این رمان گشوده شود.

- توصیف عواطف مادرانه

عاطفه مادری یکی از قوی‌ترین عواطف زنانه است که به شکل غریزی در نهاد زنان به ودیعه گذاشته شده است (شوالترا، ۱۹۹۷: ۲۱۷). از آنجا که بخش عمده‌ای از داستان مربوط به زنی است که پس از تولد نوزادش دچار بیماری روحی شده و به همین دلیل طرد شده و از دیدار فرزندش محروم مانده است، بخش‌های زیادی از رمان مورد مطالعه این عواطف را به ترسیم می‌کشد؛ در واقع عواطف مادرانه این داستان شامل مثلث درهم تنیده‌ای است؛ به این ترتیب که از یک سو عواطف مادرانه مربوط به جدایی

یک زن بیمار، خانم کوچیک، از فرزندش و بزرگ شدن کودک او تحت سیطره نامادری است و از دیگر سو مربوط به دلسوزی‌های افراطی مادرشوهر او، خانم جان، نسبت به پسرش، ابوتراب، است. این زن نیز به عنوان یک مادر طاقت دیدن اوضاع پریشان زندگی پسر خویش با یک زن روانی را ندارد و با اصرار فرزندش را وادار به ازدواج مجدد می‌کند. در ادامه، ضمن نقل بخش‌هایی از سخنان خانم جان با مادرزن پسرش، عاطفه مادرانه افراطی او را نشان داده می‌شود:

«شش سال تمام بچه‌ام صبر کرد و خون دل خورد. انگار نه انگار؟ با مصلحت خدا که نمی‌شود در افتاد... پسر من آدم نیست؟ تاکی سر بر بالین خالی بگذارم؟ می‌خواهید نفرین زمین دامنش را بگیرم؟» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۵۹).

از سوی دیگر نویسنده به دلسوزی‌ها و ناراحتی‌های مادرزن ابوتراب، صنم بانو، می‌پردازد که پس از بیماری دخترش، عامل تمام بیچارگی‌های او را مادرشوهرش می‌داند. نقل قول زیر از زبان صنم بانو احساسات و عواطف مادرانه او را چنین به تصویر می‌کشد:

«نه نه نه. ای وای، ای وای، ای وای، بچه اولم بودی. سیزده ساله، خانم باشخصیت، عینو تنگ طلا. فامیل انگشت به دهان هنرهایت مانده بودند... سر سال نشده بچه‌ام زیر و زیر شد. الهی خدا از مادر شوهرش نگذرد که هر چه می‌کشیم از دست اوست. ای وای خدا، بچه‌ام را سوزاندند و حالا هم می‌خواهند خاکسترش را به باد بدهند... بچه‌ام سالم سالم بود، عقل کل بود، نمی‌دانم چه به خوردش دادند بی انصافها که این طور شد... اگر بدانی چطور دلم می‌سوزد خواهر، اگر بدانی» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۵).

- پیوند عاطفه مادرانه و طبیعت

ترسیم توجه زنان و رسیدگی به گل‌ها و گیاهان علاوه بر لطافت موجود در روان و عاطفه زن، به ناخودآگاه جمعی نوع بشر نیز برمی‌گردد. یونگ محتویات ناخودآگاه جمعی را «کهن‌الگو»^۱ می‌نامد (یونگ، ۱۹۷۲، ترجمه فرامرزی، ۱۳۶۸: ۴۰۵). این اصطلاح در زبان فارسی «آرکی‌تایپ»، «صورت مثالی»، «صورت ازلی» و «صورت نوعی» نیز خوانده می‌شود. کهن‌الگوها، ماهیتی جهان‌شمول دارند و محتوای ناخودآگاه جمعی هستند که بالقوه در روان آدمی موجود است و به سبب انگیزه‌های درونی یا بیرونی در ناخودآگاه آدمی پدیدار می‌شوند (بهرامی رهنما، طاووسی و ماحوزی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). و نماینده نوعی‌ترین و اساسی‌ترین خصوصیات مشترک داستان‌ها و اساطیر و رهیافت‌های هنری هستند (کادن و پرستون، ۱۹۹۸: ۳۹). در میان الگوهای رفتاری بالقوه، کهن‌الگوی بزرگ و مؤثری وجود دارد که مادرهستی است. مادر، تداعی اصل حیات و تولد و گرمابخش زندگی است.

کهن‌الگوی مادر دوقطبی است: قطب اول مادر اعظم است که حاوی نیروی حمایت بی‌حد چه برای مردان و چه برای زنان در سراسر جهان است. این کهن‌الگو صفاتی را آشکار می‌کند که عبارت است از: شفقت و شوق مادرانه، فرزاندگی و رفعت روحانی و هر انگیزه‌یاری‌دهنده و هر آنچه که رشد و باروری را دربرمی‌گیرد. اشکال مثبت کهن‌الگوی مادر با ویژگی باروری در مزرعه، باغ، درخت، جنگل نمود می‌یابد (یونگ، ۱۹۸۰، ترجمه فرامرزی، ۱۳۷۰: ۲۶). در ادامه، ضمن نقل بخش‌هایی از این رمان، اشکال مثبت

۱. archetyp

۲. Yong

۳. Cuddon & Preston

کهن‌الگوی مادر را نشان می‌دهیم:

«باغبان شمعدانی‌های قلمه‌زده و گلدان‌های پر شاخه و گل را به گل‌خانه شیشه‌ای برده بود و گل‌خانه شده بود مادر گل او، هر وقت که از کنارش می‌گذشت، با نوک انگشت، بر شیشه بخار گرفته می‌نوشت «مادر»...» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۸۷).

در این بخش از داستان نویسنده از طریق توصیف وضعیتی یکی از کودکان جدا مانده از مادر و علاقمندی او به یک گل مفهوم حیات و تولد و گرمابخشی زندگی را از منظر این کودک با مادر و گلخانه پیوند می‌دهد.

- ترس‌های زنان

ترس یکی از اختلالات اضطرابی است. برخی از ترس‌ها معقول و حاکی از احتمال وقوع یک خطر واقعی است و برخی از ترس‌ها موهوم و ناشی از توهمات شخص است. در ترس‌های موهوم فرد هنگام مواجه شدن با یک شی، موجود و یا موقعیت خاص احساس ناتوانی و فشار و اضطراب شدید دارد. این اختلال در زنان به دلیل کمبود اعتماد به نفس و ضعف جسمانی شایع‌تر از مردان است. نویسنده رمان کوچه افاقیا با وارد کردن ذهن قهرمان زن داستان به چرخه تردید و ورطه ناشناختگی از توهمات آنان چنین سخن می‌گوید:

«دلنواز نفس در سینه حبس کرد تا از جلوی زیر زمین بگذرد. نمی‌خواست خم شود و از پس شیشه‌های خاک آلود که نزدیک کف حیاط بودند آن‌ها را ببیند؛ حتماً مثل همیشه با چشم‌هایی عمودی و صورتی زرد و دراز روی گونی‌های خاکی زغال نشسته بودند و پاهای سُم‌دارشان را به نمایش گذاشته بودند» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۲).

علاوه بر این، زنان این رمان از مواجه شدن با موجودات موذی؛ همچون سوسک، موش و ... اجتناب می‌کنند و هنگام روبرو شدن با آنها دچار اضطراب می‌شوند. نمونه‌ای از این ترس را عیناً نقل می‌کنیم: «گرچه یک دست سیاهی که بر پهن‌های خیس دور حوض پنجه می‌کشید، نگاه می‌کرد. خانم‌جان... خود را به عقب کشید... زبیده گفت: «خانم‌جان! نترس، پیشته پدر سوخته...» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۲۸).

مسائل فرهنگی مربوط به زنان

بخش زیادی از کنش‌ها و واکنش‌های اشخاص و قهرمانان زن این رمان برخاسته و متأثر از فضای فرهنگی جامعه چند دهه قبل از انقلاب اسلامی ایران است. ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به آن دوران، از خلال رفتارهای شخصیت‌ها، ارتباط‌های آن‌ها با یکدیگر، اعتقادات و نیز توقعات و انتظاراتی که جامعه از زن دارد، آشکار می‌گردد. در ادامه به بررسی جداگانه مسائل فرهنگی و اجتماعی مربوط به زنان پرداخته می‌شود تا نشان داده شود که نویسنده این کتاب وضعیتی زنان چند دهه قبل کشورمان را با چه مشخصه‌هایی به تصویر کشیده شده است.

- باورها و اعتقادات خرافی رایج در میان زنان

علاقه به سحر و جادو و توسل به خرافات و عادات خرافه از دیرباز در میان نوع بشر جریان داشته است.

خرافات در جوامعی که سطح ناایمنی و تنش در آن‌ها بالاست و نیز در جوامعی که عدم اطمینان و ابهام در آن‌ها زیاد است، بیشتر دیده می‌شود و مخصوص هیچ جنسیتی نیست؛ ولی در رمان مورد مطالعه بنا به دلایلی همچون، فقر علمی و فرهنگی رایج در میان زنان چند دهه قبل از انقلاب اسلامی تمایل این جنس به این امور بیشتر بوده است. اغلب زنان این رمان در موقعیت‌های مبهم، تمایل دارند که برخی از مسائل اتفاقی را نشانه و دلیلی خاص برای رسیدن و یا نرسیدن به امیدهایشان فرض کنند و دیگران را عامل وقایع و رفتارها و پدیده‌ها بدانند و مسئولیت را از گردن خودشان بردارند.

یکی از باورها و اعتقادات خرافی رایج در میان زنان این رمان اعتقاد به محتوم بودن سرنوشت است. این اعتقاد ریشه‌ای کهن در میان ایرانیان دارد و از کیش زروانی (مشتق از زروان یعنی زمان) سرچشمه گرفته است؛ بدین مضمون که در ازل تقدیر هر یک از افراد از طریق جدال گیجانی میان بروج دوازده گانه که نماینده نیروهای خیر هستند و هفت سیاره که اختیار مقدرات آفریدگان را در دست دارند، مقدر شده است (هینلز، ۱۹۷۲، ترجمه آموزگار و تفضلی، ۱۳۶۸: ۱۱۵). باور به این اعتقاد در نقل قول زیر از زبان صنم بانو هنگامی که متوجه دشواری‌های زندگی دخترش می‌شود، آشکار است: «این بود پیشانی نوشت؟ هی...وای» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۴۳).

اعتقاد به جادو نیز یکی از باورهای رایج در میان زنان این رمان است؛ بر این اساس شخصیت زن این داستان معتقد است که دلیل تغییر رفتار فرزندش دارویی است که به او خورانده شده است: «بچه‌ام سالم سالم بود، عقل کل بود، نمی‌دانم چه به خوردش دادند، بی‌انصاف‌ها که این طور شد» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۷۴). هم‌چنین است اعتقاد به چشم‌زخم که در نقل قول زیر آشکار است: «ماه‌منظر مثنی اسپند از جا اسپندی برداشت و به میرزا گفت: «چشم بدخواهتان کور، شما که رفتید می‌روم توی آتش می‌ریزمشان...؛ ولی نظر شور، سنگ را هم می‌ترکاند» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

– نگاه ابزاری به زن

در گستره رمان مورد بحث، مصادیق متعددی از مسائل فرهنگی و اجتماعی مربوط به زنان وجود دارد که نگاه ابزاری به زنان را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که حقوق اجتماعی زنان این رمان هم سطح مردان نیست و آنان اسیر سرنوشتی هستند که جامعه‌ای مردسالار برایشان رقم زده است. نمونه زیر از زبان عمه قزی به احمدعلی خان این حقیقت را به خوبی آشکار می‌نماید: «صیغه‌اش کن عمه. خیلی بهتر از آن زن دخترزایت است... زنی که عرضه نداشته مردش را صاحب اولاد پسر کند برای لای جرز خوب است» (به نقل از تجار، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

در نقل قول فوق ارزش یک زن بستگی به تعداد اولاد ذکوری دارد که به دنیا آورده است. هنگامی که زن احمدعلی خان، قادر نیست پسر دار شود، فرهنگ جامعه و نگاه ابزاری به زن او را بی‌عرضه‌ای دخترزا قلمداد می‌کند که محکوم به طرد شدن است. این نگاه درباره زنان نابارور به قدری پذیرفته شده است که زن ناباروری همچون زبیده پیش‌دستی می‌کند و خودش در پی یافتن زنی دیگر است تا به عقد همسرش درآورد» (تجار، ۱۳۸۹: ۹۳).

از دیگر سو، سرنوشت زنی هم چون نیمتاج که پس از ازدواج با مردی نابارور، جدا شده است، طرد شدن

از جانب خانواده پدری است؛ زیرا مطابق با دیدگاه آن جامعه، زنی که با لباس سپید عروس به خانه شوهر رفته، فقط باید با لباس سپید کفن از آنجا خارج شود:

«از بخت اولش که شانس نیاورد؛ سر چهل روز نشده مردک تو زرد از آب درآمد و طلاقش داد و زد به چاک جاده. از آن طرف هم ایل و تبارش عاقش کردند که چرا طلاق گرفتی. خوب گناه دارد سایهات را بیندازی روی سر این بی کس و تنها تا عمری دعاگویت باشد؟» (تجار، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

بحث و نتیجه گیری

از مجموع آنچه درباره سبک زنانه رمان کوچه اقاچیا گفته شد، این نتایج حاصل شد که راضیه تجار با نگارش این اثر، توانسته است، سبکی زنانه را با مؤلفه‌های زیر ایجاد کند:

- در بخش استفاده از زبان زنانه این نتیجه به دست آمد که با وجود اینکه عناصر زبان فارسی در ذات خود، با جنسیت ارتباطی ندارد؛ زبان زنان در بخش‌هایی از رمان کوچه اقاچیا نشان‌دهنده گوینده مؤنث است. یکی از مشخصه‌های زبان زنان در این رمان استفاده از کلمات مخصوص زنان است.

اغلب زن‌های این رمان در مواقع غیر ضروری نیز، اجزای کلام خویش را تکرار می‌کنند و از تشدیدکننده‌هایی؛ همچون «بسیار بسیار، خیلی خیلی» برای قوی‌تر کردن بار معنایی آن استفاده می‌کنند.

بیشتر زنان این رمان از گفتارهای قطعی می‌پرهیزند و در گفتار اغلب آن‌ها نوعی تعریض وجود دارد. آن‌ها تقاضا یا اعتراض خویش را نیز غیرمستقیم بیان می‌نمایند. دلیل این تعریض و تکرارها ریشه گرفته از موقعیت متزلزلشان در اجتماع مرد سالار و پایین بودن اعتماد به نفس آن‌ها است؛ علاوه بر این، حضور دوپست و هفتاد و سه واژه رنگی و تعدد به کارگیری رنگ‌های مختلف با جزئیات آن در زبان اشخاص این رمان بدان صبغه‌ای زنانه بخشیده است.

- در بخش ترسیم عواطف زنانه این نتیجه حاصل شد که در این رمان زنان مختلف که محصول دنیا، تفکر و فرهنگ و تربیت جامعه‌ای مردسالار هستند، عواطفی را تجربه کرده‌اند که اغلب تحت الزامات ویژه‌ای شکل گرفته است. عاطفه مادری یکی از قوی‌ترین انواع و اشکال عواطف زنانه در این رمان است؛ زیرا بخش عمده‌ای از داستان مربوط به زنی است که پس از وضع حمل، دچار بیماری روحی شده است و به همین دلیل طرد شده و از دیدار فرزندش محروم مانده است.

از دیگر سو، نویسنده از طریق بازنمایی ارتباط عواطف مادرانه و گیاهان به کهن‌الگوی مادرهستی نیز اشاره می‌کند. او با بهره‌گیری از جان‌بخشی گیاه در ذهن یک زن، استعاره‌ای از کودکی نیازمند خلق کرده و حس مادرانه‌گریزی او را نسبت به مراقبت از گیاه به خوبی به تصویر کشیده است؛ همچنین از طریق توصیف وضعیتی یکی از کودکان جدا مانده از مادر و علاقمندی او به یک گل مفهوم حیات و تولد و گرمابخشی زندگی را از منظر این کودک با مادر و گلخانه پیوند می‌دهد. دشواری‌های زبان زنان این اثر نیز نسبت به زبان مردان کاربرد کمتری دارد و نشان‌دهنده تطبیق نظریات مربوط به سبک زنانه در نگارش این رمان است.

در بخش بازتاب مسائل فرهنگی مربوط به زنان این نتیجه به دست آمد که بخش زیادی از کنش‌ها و واکنش‌های قهرمانان زن این رمان برخاسته و متأثر از فضای فرهنگی جامعه چند دهه قبل از انقلاب اسلامی ایران است. در رمان مورد مطالعه بنا به دلایلی همچون، فقر علمی و فرهنگی اغلب زنان در موقعیت‌های

مبهم، به خرافات و باورهای عامیانه‌ای همچون اعتقاد به جادو، چشم‌زخم و محتوم بودن سرنوشت روی می‌آورند؛ علاوه‌براین، در رمان مورد بحث، مصادیق متعددی از مسائل فرهنگی و اجتماعی مربوط به زنان وجود دارد که نگاه ابزاری به زنان را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که حقوق اجتماعی زنان آن دوران همسطح مردان نیست و آنان اسیر سرنوشتی هستند که جامعه‌ای مردسالار برایشان رقم زده است.

منابع

- آژنده، یعقوب. (۱۳۹۶). وضع ادبیات داستانی در قبل و بعد از انقلاب. مجله سوره. شماره ۲۴. ۶-۱۴.
- آکماجین، آندرین. (۱۹۶۴) زبان شناسی: درآمدی بر زبان و ارتباط. ترجمه علی بهرامی. (۱۳۸۲). تهران: رهنما.
- باقی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۵). فروغ فرخ‌زاد؛ شاعر عاطفه و شکست. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. دوره ۲. شماره ۲. ۱۷-۱.
- بهرامی رهنما، خدیجه؛ طاووسی، محمود و ماحوزی، مهدی. (۱۳۹۲). نقد و بررسی دو کهن‌الگوی آنیما و آنیموس در منظومه بانو گشسب‌نامه. پژوهشنامه ادب حماسی. سال نهم، شماره ۱۶. ۱۲۹-۱۴۶.
- پارسی‌نژاد، کامران. (۱۳۸۰). گشت و گذار در کوچه‌آقاقیا، مجله ادبیات داستانی کرمانشاه. شماره ۵۷. ۱۱۳-۱۰۸.
- تجار، راضیه. (۱۳۸۹). کوچه آقاقیا، چ چهارم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر.
- حری، ابوالفضل. (۱۳۷۷). سفر به ریشه‌ها، نقد آثار داستانی راضیه تجار. مجله ادبیات داستانی کرمانشاه. شماره ۴۶. ۱۱۳-۱۰۵.
- شیخ، مهدیه. (۱۳۹۶). بررسی زبان زنانه در پنج اثر داستانی ادبیات پایداری. (شماره ۱۴۳، یکشنبه آخر، دختر شینا، فرنگیس، زیتون سرخ). پایانه کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل.
- داوری اردکانی، نگار و عیار، عطیه. (۱۳۸۷). کنکاشی در پژوهش‌های زبانشناختی جنسیت. مطالعات راهبردی زنان. دانشگاه شهید بهشتی. دوره ۱۱. شماره ۴۲. ۱۶۲-۱۸۱.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۳). نرگس‌ها و داستان‌های دیگر. کیهان فرهنگی. شماره ۱۸. ۳۸-۳۴.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۰). پرسه‌ای در کوچه آقاقیا. کیهان فرهنگی. شماره ۱۷۶. ۷۷-۷۲.
- غلامی، حمیده و بخشی، معصومه. (۱۳۹۲). شعر زنانه ایران و سبک و گویشی زنانه. بهار ادب. دوره ۶. شماره ۴. پی در پی ۲۲۵-۲۲۴.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- محمودی بختیاری، بهروز و دهقانی، مریم. (۱۳۹۲). رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان زن در فرهنگ و هنر. دوره ۵. شماره ۴. ۵۵۶-۵۴۳.
- نجاری، محمد. (۱۳۹۴). زبان زنان، بررسی زبان زنانه در نمایشنامه‌های نغمه‌ثمینی و چیستا یثربی، با همکاری ویدا بابالو. چ اول، تهران: اختران.
- نجفی عرب، ملاحظ. (۱۳۴). زبان و جنسیت در رمان. تهران: علم و دانش.
- نیکوبخت، ناصر، دسپ، سید علی، بزرگ بیگدلی، سعید و منشی زاده، مجتبی. (۱۳۹۱). روند تکوین

- سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد، تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی. نقد ادبی. شماره ۱۸. ۱۵۲-۱۱۹.
- ولی مراد، فرشته. (۱۳۸۳). راضیه تجار و نگاهی به کوچه اقاچیا. ادبیات داستانی. شماره ۸۶. ۷۱-۶۹.
- وولف، ویرجینیا. (۱۹۲۹). اتاقی از آن خود. ترجمه صفورا نوربخش. (۱۳۸۳). تهران: نشر نیلوفر.
- هینلز، جان. (۱۹۷۲). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. (۱۳۶۸). تهران: نشر چشمه.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۹۷۲). چهار صورت مثالی. ترجمه پروین فرامرزی. (۱۳۶۸). مشهد: آستان قدس رضوی.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۹۸۰). خاطرات، رویاها، اندیشه. ترجمه پروین فرامرزی. (۱۳۷۰). مشهد: آستان قدس رضوی.
- Abrams, M. H. (1999). A Glossary of Literary Terms, 7th edition. Boston, Massachusetts: Heinle & Heinle Pub.
- Cuddon, J. A. & Preston, Claire (1998). A Dictionary of Literary Terms and Literary Theory, Oxford UK: Blackwell.
- Hannah, Sara (2003). "Something Else Hauls Me through Air' Sound and Structure in Four Late Poems by Sylvia Plath." *Literary Imagination: The Review of the Association of Literary Scholars and Critics* 5. no2 (Spring): 232-66.
- Lakoff, R. (1990). *Extact from language and womens place*. In D. Cameron (Ed.), *The feminist critique of language: A reader*. London & New York: Routledge :221-234.
- Showalter, Elaine (1997). "Toward A Feminist Poetics" In *Twentieth Century Literary Theory: A Reader*. Newton, K. M., Ed. New York: St. Martin's:216-250.

A Study of Feminine Style In "Acacia Alley" Novel by Raziye Tojar

*F. Arab Yousef-abadi

** Sh. Kalbali

Abstract

The purpose of this article was to extract the effective female-gender components in the style of the "Acacia's Alley" novel written by Raziye Tojar. According to preliminary results, these components were: female language, feminine affection and cultural issues related to women in this novel. The female language in this novel was characterized by the repetition of words or parts of sentences to stress the desired emotional sense. In this novel, most women refuse to use definitive words and their discourse was infused with a bit of prolongation. The presence of more than 298 color-related terms and the frequency of using different colors with their details in the language of novel's characters has bestowed a feminine flavor to this novel. Moreover, the motherly affection represented one of the strongest forms of emotions in this novel. Underusing of curses emphasized its feminine style here, for reasons such as cultural and educational poverty of women in ambiguous situations, a tendency towards superstitions and folk beliefs had gained prominence. In this novel, there were various examples of cultural and social issues, which showed that women's social rights were not equal to men.

Keywords: women's style, female language, feminine affection, "Acacia's Alley", Raziye Tojar.

*Assistant Professor of Persian Language and Literature , University of Zabol , Zabol, Iran(Corresponding author, email: famoArab@uoz.ac.ir)

** M A in Persian Language and Literature, University of Zabol , Zabol, Iran